



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2020; 2(2): 15-19

Received: 09-02-2020

Accepted: 10-03-2020

نویسنده: محمد صابر «سروری»
 استاد بخش تاریخ دانشکده علوم
 اجتماعی
 دانشگاه پروان، افغانستان

مغول ها و روسیه

نویسنده: محمد صابر «سروری»

چکیده

امپراطوری را که شخصیت بزرگ مغولها این مرد صحرا گرد و فاقد سواد اما مصمم و سازمانده بی مانند بوجود آورد آنچنان تاثیر گذار در تاریخ میباشد که کمتر تحولات و انقلابات را با آن میتوان بمقایسه گرفت. این امپراطوری که از دریای سرخ در شرق آسیا تا بحیره سیاه در شرق اروپا را شامل میگردد تاثیرات عمده و ژرفی را در زندگی مردمان این نواحی و در شمال بروسیه و حتی کشور های اروپایی شرقی بوجود آورد که ادامه آن را تا امروز میشود احساس کرد. از اینرو مطالعه این دوره و تاثیرات آن از اهمیت خاص برخوردار است.

در این مقاله سعی بعمل آمده تا از منابع دست اول و تحقیقات تازه استفاده بعمل آید اما تاثیر گذاری استعماری اروپائیان باعث گردیده که در تاریخ شرق از جمله این امپراطوری کمتر تحقیق بعمل آید که مطالعه این مقاله از این رهگذر از جایگاه و اهمیت خوبی برخوردار میباشد. چون موضوع مقاله تاثیرات مغول ها بروسیه میباشد بیشتر سعی بعمل آمده است تمرکز بالای روسیه صورت گیرد به مناطق دیگر تماس کمتری بعمل آمده است.

مطالعه این مقاله را برای علاقمندان تاریخ و دست اندرکاران مطالعات تاریخی بخصوص محصلان تاریخ خالی از مفاد نمیدانم امید که مورد علاقه آنها قرار گرفته و رهگشائی باشد در زمینه مطالعات تاریخ سرزمین های شرق و قاره آسیا که در زمان ما بیشتر مورد توجه غربی ها با افروختن آتش جنگها قرار گرفته است.

واژه های کلیدی:

مغول ها، روسیه، قیچاق ها، چنگیز، مغولستان، بحیره کسپین، بحیره سیاه، مسکو

مقدمه

یکی از حوادث بزرگ در تاریخ کوچیدن و بیجا شدن های قومی و گروهی میباشد که این حادثه چند باری که در جهان بوقوع پیوسته است. به اثر این رویداد مناطقی از جهان از نفوس خالی گردیده و یا نفوس فعال محلی را ترک کرده است و باعث گردد تا در مناطق دیگر که در مسیر این حرکت قرار داشت تغییرات بزرگ و عمیقی بوجود آید تمدن ها و دست آورد های چندین ساله بشر در آن مناطق به نابودی گرائیده و عاملی گردد در جهت خون ریزی ها، قتل عام ها و غیره

یکی از این انتقال ها حملات مغول ها با بقدرت رسیدن چنگیز در دشت های مغولستان و قیچاق است، که با یورش بی مانندی به طرف غرب مغول ها به حرکت افتادند. کشتند، سوختند، برباد دادند آن سرزمین هایی را که در مسیر حرکت آنها بود، تاثیرات آنها تا کنون در این سرزمین ها بوضوح به ملاحظه میرسد. در روسیه این حرکت از جایگاه و عملکرد خاص برخوردار است این حرکت توانست وحدت روس ها را تامین کند از قبایل پراکنده روس دولت قوی و واحد بوجود آورد. روس ها از حملات چنگیز آنقدر آموختند که برای فراگیری آن سالها را نیاز بود. تاثیر این آموزش در عمق ادبیات و فرهنگ روس جا گرفته و باعث گردید تا وحدت بی مانندی بین قبایل روس بوجود آید که تاثیر آن در قرن ما نیز احساس میگردد. گفته های فوق بر اهمیت این تحقیق صحه گذاشته است.

Corresponding Author:

نویسنده: محمد صابر «سروری»
 استاد بخش تاریخ دانشکده علوم
 اجتماعی
 دانشگاه پروان، افغانستان

مغول ها و روسیه در دشتهای آسیای میانه مردمانی زندگی می‌نمودند که پیشه گله داری و تربیه حیوانات داشتند آنها که ضروریات زندگی خود را از شیر، گوشت، پشم و پوست حیوانات تهیه می‌کردند به مشکل بزرگی در زندگی مواجه نبودند یگانه مشکل آنها انتقال حیوانات شان از یک چراگاه به چراگاه دیگر و حفاظت آنها از حملات حیوانات درنده بود. آنها که سالانه چند مرتبه با حیوانات خود در حرکت بودند وسایل و ضروریات منزل خود را با وسایل نقلیه نی که توسط حیوانات کشیده میشد از یک محل به محل دیگر انتقال میدادند.

هجوم جانوران درنده، یورش های قبایل همجوار مرد زن را مجبور نموده بود تا پیوسته انضباط سختی را رعایت نموده و برای مقابله با هر حادثه دایم آماده باشند و بحیث یک سازمان نظامی انضباط را مراعات نمایند چادر نشین های مغول به طوایف مختلفی تقسیم شده بودند که عبارت بود از تاتار، قفقز، اوپرات، ارلاد، جلاپر، کرانیت، نایمن و بورجقین طایفه اخیرالذکر بواسطه ظهور چنگیز در این طایفه شهرت زیاد کسب کرد. اینها در همجواری چین زندگی داشتند و به تمدن آن کشور به دیده حسرت نگاه می‌کردند چینی ها و اعراب آنها را ترکان شرقی می‌نامیدند و ترکان غربی که دین اسلام را قبول کرده بودند در کنار اعراب زندگی داشتند.

این قبایل با طوایف دیگر ترک که به قباچاق معروف بودند و سرزمین آنها را نیز دشت های قباچاق می‌نامیدند و به دوگروپ تقسیم شده بودند قباچاق های شرقی و قباچاق های غربی که قباچاق های شرقی آن بعد از حملات چنگیز با اردوی او یکجا شده دست به فتوحات مشترک زدند و قباچاق های غربی که بین بحیره کسپین و بحیره سیاه زندگی داشتند مورد حملات چنگیزیان قرار گرفتند. قباچاق های غربی با ترکان غز خویشاوندی داشتند که ترکمن های امروز از اخلاف آنها میباشند آنها قبایل سرگردانی بودند که با حیوانات خود دایم در حرکت بودند سلجوقی ها قبایله از همین

ترک ها اند که به دین اسلام گرویده و سلطنت مقتدری را بوجود آوردند. گفته میشود که حدود ششصد هزار نفر از ترکان غز که بت پرست بودند از دریای دانیوب عبور کرده تا یونان رسیدند و در سر راه خود هر چیز یافتند غارت نمودند اما در برابر اردوی بلغار ها شکست خوردند و دسته از آنها از دریای والگا گذشته به قباچاق های محلی پیوستند. روس ها قباچاق های غربی را «پولوتیزی» لقب داده اند که آنها قبایل رمه دار چادر نشین بودند بعد از قرن 12-ام پیشه وری اختیار کردند آنها به ارواح نیک و بد اعتقاد داشتند و بیاد مرده گان خود مجسمه های از سنگ می‌ساختند قباچاق های غربی به قبایل مختلف تقسیم شده بودند و در راس هر قبایله یک خان قرار داشت هر قبایله به چند طایفه تقسیم شده بود که طایفه ها شامل چند خاندان میگردیدند اردوی آنها از سوارانی تشکیل میگرفت که با اسلحه سبک و سنگین مجهز بودند زن ها نیز در اردو خدمت می‌کردند اولین درگیری بین روس ها و پولوتیزی ها یا ترکان قباچاق غربی در سال 1054 میلادی اتفاق افتاد که از آن به بعد مکرراً سرزمین های روسیه را مورد حمله قرار داده و شکست های سنگینی بروس ها وارد آورده و جز مردمان روس گردیده در کنار آنها زندگی داشتند.

اولین برخورد مغول ها با روس ها در سال 1223 در ساحل دریای کالکا روی داد تا آن زمان روس ها از مغول ها اطلاعی نداشتند و نمیدانستند که آنها چی کسانی هستند، از کجا آمده اند

و دارای کدام دین و مذهب میباشند در رابطه به آنها فکر می‌کردند که بواسطه گناهای که مرتکب شده اند بلایی است که بالای آنها نازل گردیده است و قتیکه قباچاق های غربی به روس ها اطلاع دادند که مغول ها داخل سرزمین آنها شده اند هنوز روس ها به گروه های مختلف تقسیم شده بودند و وحدتی بین آنها وجود نداشت با آن هم مغول ها از هیله و نیرنگ استفاده کرده سعی نمودند تا قباچاق های غربی را از روس ها جدا نموده و بین آنها تفرقه اندازند و به این ترتیب توانستند سرزمین های آنها را یکی بعد از دیگری تصاحب نمایند سرزمین قباچاق های غربی که بین بحیره کسپین و بحیره سیاه قرار داشت موقعیت حساسی را دارا بود علاوه بر خاک حاصل خیز و چراگاه های سرسبز راه های تجارتي از آن عبور میکرد.

این راه های تجارتي که از افغانستان، هند، ایران، چین و ماورالنهر و سرزمین آنها عبور کرده ثروت و تجمل کشورهای اسلامی و چین انگیزه بود در جهت حمله آنها بر این زمین ها زیرا شهرهای مغول در آن روزگاران بیش از چند خیمه و چراگاه نبود ازدواج در بین مغولها محدود نبود. آنها نیز مثل ترکان سوارکار و تیرانداز ماهر بودند که کمان های آنها از سه تا چهار صدمتر فاصله را هدف میگرفت آنها از منجنیق و آتش انداز در جنگها استفاده می‌کردند که توسط حیوانات کشیده و انتقال داده میشد این قبایل که قسماً با جگزار چین بوده و آسیای شمالی و مرکزی را بین خود تقسیم نموده بودند. قبایله پورجقین بین رود خانه کرولن و اونون زندگی داشتند و دیگران در همجواری دور نزدیک آنها حیات بسر میبردند.

حکومت چنگیز خان

چنگیز که اصل نام او تموچین میباشند در یک مجلس بزرگان مغول عنوان امپراطور را بدست آورد او که از سواد بی بهره بود و بجز زبان قبایله خود زبان دیگری را نمیدانست بزودی توانست استعداد خارق العاده از خود در فرماندهی و سازماندهی تبارز دهد.

این مرد عجیب قوی هیکل و بلند بالا با پیشانی گشاده و ریش دراز بخدا معتقد بود. او در مقدمه لشکرکشی ها خلوت کرده بحضور معبود خود نیایش میکرد و مرام خود را تقاضا مینمود. او در جاه طلبی و تحکیم فرمانروائی مانند نداشت همه چیز را اول برای خود و خانواده اش بعد برای مغولستان میخواست.

چنگیز برای ترویج سواد و خواندن اطفال مغول را نزد ترکان اویغور به شاگردی نشانده و برای تسهیل تجارت راه ها را امن و مامون نمود و در مسیر راه های تجارتي رباط ها اعمار کرد که عده بی در آنها به کار مشغول شدند. در زمان چنگیز قوانینی بوجود آمد که بنام "یاسا" خوانده میشد با تطبیق این قوانین در وضع اجتماعی اصلاحات بمیان آمد و اردو را با اطاعت کورکورانه برای فتح جهان انتظام بخشید او در هنگام ضرورت به دسایس و هیل نیز متصل میگردد و در برابر دشمن با نهایت احتیاط و خون سردی عمل مینمود درجهانگیری میتوان او را در ردیف تیمور گورگانی اسکندر و سزار و ناپلیون قرار داد اما در خونریزی و تخریب جهان چنگیز بر آنها سبقت دارد در جائیکه سم اسپ چنگیز میرسید دیگر گیاه نمیروئید.

تسلط چنگیز و مغول در محدوده اوقیانوس کبیر و بحیره مدیترانه بمثابه وحشت انگیز ترین بلا تا مدتها تعبیر میگردد زیرا آنها ملت هایی را که به ثروت و فرهنگ خود میبالیدند یکسره به

نابودی کشانیدند و گروه هایی از اهالی را از محل بود باش خود کوچانیدند که تا مدت زیادی آن سرزمین ها دیگر به ثروت و فرهنگ دست نیافت.

در قرن سیزدهم و چهاردهم بعد از مرگ چنگیز امپراطوری او تجزیه گردید که یکی از شاخه های آن حکومت قبیلله طلائی بود که سایبریا و روسیه را در تسلط داشت.

هجوم مغولها به روسیه

مغولها به روسیه دو مرتبه حمله کردند که هر مرتبه از دیگری متفاوت است هجوم مغولها در مرحله اول در زمان حیات چنگیز در سال 1223 صورت گرفت درین حمله مغولها با بیست و پنج هزار نفر به سرکردگی سوبوتای بالای روسیه هجوم نمودند که در منطقه در جوار دریای کالکا بین طرفین جنگ در گرفت درین جنگ برای آخرین بار شهزادگان روس در کنار هم بر علیه دشمن مشترک به جنگ پرداختند اما عدم وحدت در میدان جنگ بین شهزادگان روس عامل اساسی شکست آنها درین جنگ گفته شده است چنانچه سنی سلاو رومانوویچ شهزاده کیف بجای آنکه وارد صحنه نبرد گردد بر فراز یک تپه با سربازان خود مشغول تماشا صحنه جنگ بود قطعات نظامی روسی با عبور از دریای کالکا به مغولها حمله نمودند آنها توانستند پیشقراولان عسکر مغول را درهم شکسته آنها را مجبور به فرار نمایند اما بعد از آنکه با نیروهای اصلی مقابل شدند در محاصره قرار گرفته و از بین برده شدند، روسیه تا جنگ کالکا به چنین شکستی روبرو نگردیده بودند 90 فیصد عساکر روسیه از بین رفت طوری که در تپه ای که عساکر شهزاده کیف موضع داشت از طرف مغولها محاصره گردیده و همه از بین برده شدند و عساکر مغول تا دریا دنیپر پیشرفتند اما نسبت کمبود سربازان بازگشت نمودند.

نیروهای مغول بعد از آن به تدارکات پرداخته و خواهان حمله گسترده و وسیع گردیدند که بعد از یازده سال در سال 1236 باز به حمله پرداختند که فرمانروائی این جنگ را باتور نواسه چنگیز به عهده داشت.

حمله دوم مغولها به روسیه

در سال 1236 باتور نواسه چنگیز با لشکر بزرگی از کوههای اورال عبور کرده سرزمین بلغارها را مورد حمله قرار داد، در محل کامکا جنگ بین طرفین واقع شد بلغارها دست از مقاومت کشیدند مغولها مرکز کشور آنها را خراب کردند اما شهزاده گان روسها با وجود شکست بلغارها و خاطر نشان نمودن بلغارها از خطر حمله مغول به روسیه متوجه حمله بخاک روسیه نگردیدند، مخالفتها در زمان حمله مغولها بین فرمانروایان محلی روس جریان داشت هر یک از فرمانروایان جداگانه با نیروهای مغول به مقابله پرداختند مقاومت های جداگانه فرمانروایان محلی به شکست مواجه گردیده سرزمین های آنها یکی بعد از دیگری به دست مغولها فتح شد طوری که اولین بار ایالت رازان به تصرف مغولها درآمد. شهرهای سوسدال، ولادیمییر، روستوف و یاروسلاو یکی بعد از دیگر فتح گردیده و به آتش کشیده شدند، امیر روستوف و سوسدال که ژرژ دوم نام داشت در جنگ کشته شده اما شهر نووگورد نسبت فرار سیدن زمستان از حمله مغولها نجات یافت باتور در بهار سال بعد به کیف حمله برد آن شهر را به محاصره کشیده و بعد از

تصرف با خاک یکسان نمود نواحی گالیسی، پولونی و هنگری یکی بعد از دیگر زیر ستور اسب های مغول قرار گرفت که درین هنگام اوکتای جانشین چنگیز از دنیا رفت و باتور به جای حمله بر آلمان عساکر خود را عقب کشید آلمان و اروپای شرقی از شر هیولای مغول نجات یافت.

بعد از آن باتور در شهر سرای در کنار دریای ارتو یکی از شعبات ولگا اقامت اختیار کرده و مصروف ساخت و ساز و ایجاد روابط تجاری و فرهنگی با همسایه گان گردید که به اثر این فعالیت ها شهر سرای به مرکز روحانیت کلیسای ارتودوکس یونان مبدل شد و به شهر مجلل و ثروتمند تبدیل گردید. باید گفت که مغولها در جنوب روسیه در کنار بحیره اوزوف و دریای دنیپر با اسلاو های ساکن این منطقه که جنگجویان قوی دست بودند و به شکل خانه به دوش زندگی داشتند پیوستند و به همکاری آنها در ناحیه ولگا مملکتی بنام اردوی زرین (التون اردو) بوجود آوردند که شهر سرای مرکز آن بود شهزاده گان روس بغرض اخذ جواز حکومت خود که به آنها اجازه جمع آوری مالیه را میداد نزد خان بزرگ مغول به شهر سرای آمده تجدید اطاعت میکردند، شهزاده گان روس حکمی را دریافت مینمودند که به آنان اختیار میداد تا مالیه جمع آوری نمایند و به عنوان خان در سرزمین اجدادی خود حکومت کنند شهزاده گانیکه از این امر سر باز میزدند حکم اعدام آنها از طرف خان بزرگ مغول صادر میگردد. شهزاده ای مسکو که به اطاعت از خان بزرگ مغول گردن نهاد و علاوه از اینکه از هیچ امری سر باز نمیزد از او امر خان مغول اطاعت بی چون چرا مینمود به مناسبت این فرمانبرداری خود مقام عالی دریافت کرد و شهر کوچک مسکو را به حکومت بزرگ مبدل نمود و مقام روحانی شهر به سر اسقفی کلیسا ارتقا نمود بعد از آن کلیسا از منافع حاکمان مسکو حمایت کرد و اراضی کلیسا و روحانیون از جانب خان مغول از خراج معاف گردید، سران مناطق دیگر که منتظر فرصت بودند تا با مغولها چگونه معامله نمایند جهت برقراری روابط با خان مغول اولاً هیاتی از طرف کریمیه با هدایای گران قیمت و طلا و جواهر و پارچه های ایتالی و فرانسوی که در آن روزگار از شهرت خاص برخوردار بودند به دربار باتور آمدند بعد از آن ارمنی ها و بلغارها از راه های قفقاز و شمال با هدایایی به دربار باتور رهسپار گردیدند. باتور که اوضاع را چنین یافت سعی نمود تا از راه صلح و آشتی و آرامش با همسایگان از جمله روسها پیش آمد نماید مخالفین سرکش را با توصل به این شیوه و تدابیر خاص سرکوب کرد، باتور با مردم به حسن سلوک رفتار نمود از دست اندازی های مامورین مالیاتی و فشارهایی که بالای مردم وارد مینمودند جلوگیری بعمل آورد و جمع آوری مالیه را بدوش فرمانروایان محلی گذاشت که با این عمل عواید مالیاتی بالا رفت مقداری از عواید مالیاتی به خزانه مغول تعلق میگرفت. علاوه در زمینه های اداری، اجتماعی و فرهنگی نیز اصلاحاتی به عمل آمد.

اصلاحات مغولها در روسیه و کشور های مفتوحه دیگر به حدی عمیق بود که مردم مظالم اولیه مغول را فراموش کردند از همین جاست که تسلط دوران مغول را در روسیه کمتر از نظر قتل و غارت در نظر میگیرند بلکه بیشتر به ساخت ساز و اصلاحات این دوره در روسیه مینگردند. زیرا تسلط مغولها اصول مذهبی ارتودوکس را که جدیداً در روسیه اشاعه یافته بود تحکیم بخشید و از نظر اداری و سیاسی دولت های روسیه حکومتداری را آموختند آنها توانستند بنیان یک روسیه بزرگ

را پی ریزی نمایند طوری که مغولها با وجودیکه روسیه را تحت تسلط خود داشتند به مسایل اجتماعی زندگی خانوادگی و مقدسات مذهبی آنها دست نزنند و کدام تغییر را وارد نکردند علاوه بر مغلها سعی نمودند تا پادشاهان مسکو را که صرف اطاعت مغلها را پذیرفته بودند بیاموزانند که چگونه بحیث فرمانروایان مطلق و خود مختار رفتار نمایند شاهان مسکو با این تجربه و آموزش توانستند جانشین مغلها گردند، این رفتار باعث گردید که مغلها یک باره سقوط نکرده به آهستگی با یک نوع سازش جایگاه خود را به روسها انتقال دهند این جریان آنقدر آهسته بود که مقام خان مغل به مقام نزار مبدل گردید و پایتخت از شهر سرای به مسکو انتقال کرد. علاوه از مغولها در تحولات روسیه مردمان و همسایه گان دیگر روسیه مانند بیزانس نیز رول داشته است اما این تاثیر آنها در بخشی از زندگی اجتماعی به ملاحظه میرسد و حتی دستگاه اداری و سیاسی روسیه از تاثیرات آن عاری میباشد، طوری که قسطنطنیه که با هجوم ترکها سقوط کرده بود قبل از سقوط در اروپا به روم دوم شهرت داشت بعد از سقوط قسطنطنیه روسها مسکو را از نگاه روحانیت روم سوم نامیده اند. که نوعی از تاثیر گذاری تمدن بیزانس را در روسیه نشان میدهد روسها با مغولها در مناطق تحت فرمان مسکو آنقدر آمیزش داشته اند که هیچ گاهی تسلط مغولها را عامل بدبختی خود ندانسته و حتی دور ماندن خود را از تاثیر فرهنگ اروپایی که ناشی از تسلط مغولها بود نمی پذیرفتند اما در شهرهای پیشرفته روس نشین تسلط مغولها به دیده حقارت نگریسته میشد و در صدد آن بوده اند تا به نوعی به این تسلط خاتمه دهند آنها نه تنها مغولها را بلکه باشنده گان کشورها را دیگر آسیا را بیگانه میدانستند و حاضر نبوده اند تا روابط فرهنگی با آنها برقرار نمایند که این عمل آنها نمایانگر نوعی از خود آگاهی آنها را نشان میدهد حتی زمانی که بعضی از قبایل روس دین اسلام پذیرفته اند پادشاهان آنها در صدد انتشار این دین بر نیامدند آنها مسیحیت غربی را نیز به دیده قدر نمیدیدند زیرا میدانستند که ادیان باعث نوعی از وحدت بین مردم میگردد که این وحدت در ضدیت با ظلم و ستم شاهان میباشد.

محاربات باتور و سوبوتای در شرق اروپا

فرمان اوکتای یک سپاه عظیم مغولی که تعداد آنها یکصد و پنجاه هزار بود در اروپا عملیات را براه انداخت. این سپاه رسماً تحت فرماندهی باتور بود و از طریق صحراهای اورال براه افتادند در این سپاه از منصب مختلفه چنگیزخانی دور هم جمع شده بودند و ریاست این تجمع را سوبوتای بعهده داشت سوبوتای فاتح ایران روسیه و چین میباشد که در این لشکر کشی شصت سال عمر داشت.

بنابر منابع اسلامی جنگ در خزان سال 1236 با انهدام ترکان بلغار آغاز گردید سوبوتای پایتخت آنها را غارت و انهدام نموده پایتخت بلغارها در مصب دریای ولگا شهر تجارته بود جایی که تقاطع دریای کاما با دریای ولگا میباشد.

در اوایل بهار سال 1237 مغولها به ترکان مشرق بیابانگرد نیمه وحشی صحراهای روس که مسلمانان آنها را قبیچاق مجارستانی و مردم بیزانس آنها را کومان، و روسهای «پولووتزی» مینامند حمله کردند یک قسمت از قبیچاقها تسلیم شدند همینها بودند که بعد از اصل و ریشه خانان مغولی را

تشکیل داده و حکومت «اردوی زرین» را بوجود آوردند که تعلق به یکی از شعب خاندان جوجی دارد.

یکی از روسای قبیچاق موسوم به بچمان مدتی تسلیم نگردید و مقاومت نمود اما در یکی از جزایر دستگیر شده که او را دونیم کردند. در سال 1238 جنگ دیگری از طرف برکه روی داد که با شکست او قبیچاقها کاملاً مغلوب شدند. و رئیس آنها موسوم به کوتان با چهل هزار خیمه و چادر به مجارستان مهاجرت نمود و به مذهب مسیح در آمد.

در سال 1239-1240 در حدود ماه دسامبر کار تصرف صحراهای روسیه جنوبی تحت فرماندهی مونگکا به پایان رسید و شهر مکار یا مونکاز که در ظاهر پایتخت آنها بود اشغال گردید. در فاصله بین این دو لشکرکشی که در جنوب روسیه صورت گرفت لشکرکشیهای دیگری در مناطق روس نشین بعمل آمد. قطعه قطعه و پراکنده بودن مناطق روسیه کار تصرف آنها را برای مغولان آسان ساخت. در حمله بر ریازان یوری قومندان لشکر مغول کشته شد که مغولان به خون خواهی او تمام اهالی را سربریدند. در جنگ کولومنا «رومان» برادر یوری نیز کشته شد اما شهر بدست مغولها افتاد.

مسکو را که شهر کوچک بود نیز در فبروری 1238 به تصرف در آورده و امیر آنرا که «اولای تیمور» بود کشتند. شهزاده یوری دوم نتوانست مغولها را از تصرف «سوزدال» که متعلق به او بود باز دارد سوزدال را بعد از تصرف آتش زده و اهالی را کشتند و خود یوری دوم نیز کشته شد. در جنگ آخری نیز در کنار دریای ستا یا سیتی که به دریای سولوگامی میریزد بتاريخ 4 مارچ 1238 روی داد کار تصرف آن کشور به اتمام رسید.

دستههای مغولان شهرهای یاروسلاو و تور را غارت کردند. در سال بعد تصرف اوکراین آغاز گردید که شهر کیف را در سال 1240 به ویرانه تبدیل کردند به ایالات گالیسی حمله کردند که شهزاده آن به مجارستان فرار کرد. در جریان این جنگها اختلاف نظرها بین شهزاده گان مغول بوجود آمد که یکی از پسران اوکتای بنام گیوک و یکی از نوادههای چغتای بنام «یوری» از اوامر باتور سرپیچی کرده این اختلافات باعث گردید تا اردوی مغولها به سه دسته تقسیم شده به لهستان حمله نمودند و اهالی آنجا را از دم تیغ کشیدند و یکده شان به کشورهای دیگر اروپا فرار کردند در این گیر و دارها بود که اوکتای خان، خان بزرگ مغول در مغولستان به تاریخ 11 دسامبر 1241 وفات کرد و اردوی مغول از پیشروی در اروپا باز ماند و اروپای غربی از شر آنها جان به سلامت برد.

در این لشکرکشیها غرب دریای ولگا سرزمینی که به خاندان جوجی تعلق داشت وسعت یافت در حالیکه چنگیز خواهان رسیدن به شهر ایرتیش بود اما اکنون علاوه از ایرتیش اردوی مغول به نزدیکی دانایوب رسیده بودند.

نتیجه

از مطالعه فوق به این نتیجه میرسیم که مهاجمین به غرض بدست آوردن اهداف و ثروت سرزمین دیگران روانه دیار غیر میگرددند که به مقاومت مردمان روبرو میگردند اما چون از سرزمین خود بدور می جنگند با سرسختی جنگیده که به کامیابیهای موقت دست میابند و بعد از مدتی با تاثیر گذاری در فرهنگ سرزمین جدید و مفتوحه در همان فرهنگ و

سرزمین جذب گردیده فرهنگ جدید و پیشرفته را می پذیرند هرگاه به پذیرش فرهنگ سرزمین جدید آماده نگردند در برابر خیزشها و حرکات متضاد قرار گرفته مجبور به عقب نشینی و شکست میگردند.

باید بخاطر داشت که اقوام مهاجم نیز چیزهایی با خود دارند که در اصلاح و بهره برداری از داشته های خود سرزمین های مفتوحه را یاری میرسانند طوری که مسکو از منطقه کوچک و دور افتیده با قبول ارزشهای مغول ها به یک شهر بزرگ و پایتخت روسیه مبدل گردید و نظام اداری را بوجود آورد که تا زمان ما با تحولات و تغییرات وارده پا برجاست.

از جانی سیر تحول و تکامل کشورهای بزرگ جهان را میتوان در عمل کرد مردان بزرگی چون چنگیز، اتیلا، تیمور، اسکندر و دیگران جستجو کرد اهداف، خواسته های آنها را در اندیشه های اندیشوران یافت که فرهنگ و دانش امروز برپایه آنها بنا یافته است.

مآخذ

- 1- تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب اکتبر تالیف بریان شانی نوف ترجمه داکتر خان بابا بیانی نشر دانشگاه تهران 1383
- 2- امپراطوری مغول و ایران_ داکتر ابراهیم تیموری نشر دانشگاه تهران 1377
- 3- امپراطوری صحرا نوردان تالیف رانه گروسه ترجمه عبدالحسین میکده انتشارات علمی و فرهنگی تهران 1365
- 4- تاریخ مغول_ از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری تالیف عباس اقبال چاپ موسسه امیر کبیر تهران 1388
- 5- تاریخ کامل نوشته عزیزالدین ابن اثیر برگردان داکتر سید حسین روحانی جلد سیزدهم
- 6- تاریخ اتحاد شوروی نوشته اسد الله حبیب نشر وزارت تحصیلات عالی افغانستان پوهنتون کابل 1362
- 7- تاریخ جهان ماروین پری و دیگران جلد اول تهران 1377 انتشارات فردوس